خبر

افتتاح نمایشگاه «عکاس چریک»

نمایشگاه عکس «عکاس چریک» آثار جاویدالاثر کاظم اخوان از جنگ تحمیلی هشت سال دفاع‌مقدس امروز ۵ مهر ساعت ۱۷و۳۰ دقیقه در «گالری خانه» افتتاح می‌شود.

عکاس چریک گزیده عکس‌های جنگ تحمیلی جاویدالاثر کاظم اخوان است که از پاییز ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۱ در عملیات‌های شهید مدنی، شهیدان رجایی و باهنر، شهید چمران، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس عکاسی شده‌اند. این نمایشگاه شامل ۳۲ عکس از جاویدالاثر کاظم اخوان عکاس مشهدی است که در اندازه‌های ۵۰ در ۷۵ سانتی‌متر، ۱۰۰ در ۶۶، ۱۰۰ در ۱۵۰ سانتی‌متر، ۳ متر در ۴/۵ متر و ۳ متر در ۸ متر چاپ شده‌اند و امروز روی دیوار گالری خانه رفته است.

نمایشگاه عکس عکاس چریک از ۶ مهر تا ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۲ در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۹ و در روزهای پنجشنبه و جمعه از ساعت ۱۵ تا ۱۹ در گالری خانه، واقع در حوزه هنری انقلاب اسلامی، خیابان سمیه تقاطع خیابان حافظ، میزبان چشمان علاقه‌مندان است.

کاظم اخوان یک هنرمند متعهد است که با حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی هنر عکاسی در وی متولد می‌شود و با تشویق و تمجیدهای دکتر چمران این هنر در وی شکوفا و در نهایت اخوان تبدیل به یکی از پدیده‌های عکاسی جنگ می‌شود.



گفت‌وگوی «جام جم» با امیرعلی جوادیان، عکاس روزهای هشت سال دفاع مقدس

هنوز بهترین عکسم را نگرفتم



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

امیرعلی جوادیان عکاسی است که از ابتدا تا انتهای جنگ تحمیلی حضور داشته و شجاعانه بدون ترس از دشمن پیش رفته است. شهرت او بیشتر به خاطر عکس‌هایی است که در لحظه آزادی خرمشهر گرفته و همین امسال نیز دو عکس معروف او با موضوع آزادسازی خرمشهر و اعزام نیروها از میدان حر در حراجی هنری تهران به فروش رفت. او فقط عکاس جنگ نیست بلکه هزاران عکس با موضوعات مختلف حول فرهنگ اقوام و طبیعت را کتاب کرده و به چاپ رسانده است. جوادیان حوالی سال ۵۴ نقشه‌برداری خوانده و همین موضوع موجب شده با قاب دوربین آشنا شود و به تراز بودن عکس‌ها توجه کند و بعد از آن نیز وارد حوزه هنری شد. او کار عکاسی را سال ۱۳۵۸ در حوزه هنری آغاز کرد و سال ۱۳۶۰ به عنوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به جبهه‌های جنگ رفت. او بعد از انقلاب فرهنگی در اولین دوره کارشناسی عکاسی دانشگاه قبول شد و به دلیل تجربه کاری بلافاصله تدریس را شروع کرد. جوادیان سال ۸۴ از شورای ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد مدرک دکترای هنری را دریافت کرد و هم‌اکنون نیز داخل این شورا مشغول کار است و علاوه بر این، مدیر گروه عکاسی دانشکده رسانه فارس، استاد دانشگاه سوره و داور چندین جشنواره مختلف عکس بوده است. این عکاس با وجود این‌که هزاران فریم عکس از موضوعات ارزشمند دارد، معتقد است هنوز عکسی نگرفته که بتواند او را برای قرار دادن روی دیوار خانه‌اش مجاب کند. لحظاتی با این عکاس به مناسبت هفته دفاع مقدس گفت‌وگو کردیم که از نظرمی‌گذرانید:







با توجه به این‌که شما از ابتدا تا انتهای جنگ در جبهه‌ها عکاسی کردید، چه تفاوت‌هایی در عکاسی دفاع مقدس ما نسبت به دیگر جنگ‌های دنیا وجود دارد؟

ویژگی جنگ ایران ناخواسته بودن و تحمیل شدن آن بود و ما در مقطعی بودیم که انقلاب به تازگی در ایران پیروز شده بود و مردم درگیر مسائل سیاسی و اقتصادی بودند و ارتش ایران منسجم نبود و سران ارتش برکنار شده بودند. در واقع، این جنگ در شرایط بحرانی کشور که هنوز بسیج آمادگی نظامی نداشت، به وجود آمد و دشمن سوءاستفاده کرد و جلو آمد. جنگ‌های دیگر شاید بر اساس دیگر مسائل اتفاق می‌افتد و فقط ارتش‌ها و نیروهای نظامی بیشتر با هم می‌جنگند، در حالی که در جنگ ما تمام اقشار مردم اعم از جوان ۱۶ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله حضور داشتند. بنابراین، جنگ ایران یک جنگ مردمی بود و صنوف مختلف از استاد دانشگاه، پزشک، پرستار، دانشجو، محصل، راننده و بقال در آن شرکت کردند. مردم در همان بحران جنگ آموزش نظامی می‌دیدند و به جبهه می‌رفتند و آمادگی نظامی نداشتیم و به رغم این‌که بسیاری از سرزمین‌ها را از دست دادیم، روحیه وطن دوستی و فرهنگ عاشورایی موجب شد رزمندگان ما سرزمین‌مان و خرمشهر را پس بگیرند. برای دفاع از کشور بسیاری از رزمندگان داوطلبانه روی مین می‌رفتند؛ یعنی شرایط به گونه‌ای بود که سؤال می‌کردند شب عملیات چه کسانی حاضرند روی مین بروند تا معبر باز شود و نفرات بعد بتوانند جلو بروند و سنگرهای دشمن را بگیرند. این ایثار و از خودگذشتگی در آن برهه از زمان بی‌نظیر است و شاید در هیچ دوره‌ای تا این اندازه از خودگذشتگی نداشتیم. ناخواستگی و تحمیل شدن جنگ باعث شد نیروهای متفاوتی در آن حاضر باشند و عکس‌های جنگ نیز متفاوت شد. بین تمام رشته‌های هنری بیشترین شهید، مجروح، جانباز و اسیر را در ۴۴ سال اخیر عکاسان دادند و در صف اول این تهاجم چه در دوران انقلاب و چه در دوران جنگ، عکاسان پیشتاز بودند، چون نوع شغل‌شان می‌طلبید که در صف اول اتفاقات باشند.

غیر از حضور مستمر مردم در جنگ، تفاوت جنگ ما با جنگ‌های دیگر این بود که پشت جبهه‌های ما متفاوت بود؛ یعنی در جنگ‌های دیگر آشپزخانه‌های ارتش غذا تهیه می‌کنند، اما در جنگ ما خانم‌های خانه‌دار یا روستاییان سعی می‌کردند جبهه را سازماندهی کنند. اتفاقات این شکلی یا کمک‌های مردمی خیلی زیاد دیده می‌شد؛ به عنوان مثال، یکی از بهترین کمک‌های مردمی که عکس‌های خوبی از آن دارم، مربوط به بچه‌ها و قلک‌هایی شبیه نارنجک می‌شد که عیدی‌های خود را داخل این قلک‌ها انداختند و بعد از گذشت نوروز آنها را به رزمندگان اهدا کردند. در بسیاری از کشورها چنین اتفاقاتی نمی‌افتد و به عنوان مثال، می‌بینیم که دو ارتش درگیرند و مردم چندان در آن مشارکت ندارند و فقط شنوای اخبار هستند. یکی از نشانه‌های مردمی بودن این جنگ مربوط به اعزام نیروی سپاه محمد بود که ۱۰۰ هزار نفر با چه روحیه و نشاطی از استادیوم آزادی برای دفاع از سرزمین اعزام می‌شدند و یک مسیری را هم پیاده می‌رفتند که از تمام اینها عکس دارم.

همان طور که می‌دانید عکاسی جنگ ما در جهان کم‌نظیر است و عکاسان ما صاحب جایگاه و سبک ویژه‌ای در میان عکاسان دنیا هستند. ارزیابی شما در این زمینه چیست و عکاسی ما چه جایگاهی دارد؟

موقعیت جغرافیایی بسیار حساس ایران همیشه خبرساز بوده و باقی خواهد ماند؛ به دلیل این‌که بیشترین انرژی دنیا از تنگه هرمز می‌گذرد و بیشترین تفکرها، ایدئولوژی‌ها و ادیان در این منطقه شکل گرفته است. پس، همین موقعیت جغرافیایی موجب شده حوادث دست به دست هم بدهند. در گذشته شکل گرفتن بسیاری از روایات به دست حاکمان بوده است و حاکمان نقل قول‌ها را بر اساس شرایط خود عوض می‌کردند، اما با آمدن زبان‌های هنری مثل نقاشی، گرافیک، فیلم و شبکه‌های اجتماعی، عکاسی تغییر کرد و هنری که خیلی بعد از انقلاب درخشید عکاسی بود. تمام مجامع عکاسی دنیا اعتراف کردند که عکاسی ایران سبک خاصی دارد.

ما رشته عکاسی مستقل نداشتیم و دفاع‌مقدس و جنگ موجب شد که از سال ۶۲ به بعد رشته عکاسی در دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاه هنر به وجود بیاید و مانیز جزو اولین ورودی‌های عکاسان بودیم و همین باعث شد که عکس‌های ما به سراسر دنیا برود. من به ۴۰ کشور دنیا رفتم و در ۷۰ کشور نمایشگاه عکس داشتم و وقتی بازدیدکنندگان می‌آیند و عکس‌ها را می‌بینند، تفاوت‌ها را احساس می‌کنند. اگر منطق و احساس را هرکدام در یک کفه ترازو قرار دهیم، متوجه می‌شویم که کفه منطقی اروپایی‌ها نسبت به ایرانی‌ها و آسیایی‌ها بالاتر و کفه احساسات ایرانی‌ها نسبت به منطق آنها بیشتر است و این احساسی بودن در تمام کارهای هنری ما دیده می‌شود. بنابراین، اکثر عکاسان دنیا معتقدند که عکاسی ما سبک احساسی و مردمی خاصی دارد و بسیاری از عکاسان ما عکس‌های بسیار خوبی گرفتند که حائز رتبه شده است. البته عکاسی جنگ با دفاع‌مقدس متفاوت است؛ عکاسی جنگ مربوط به ادوات و نیروهای جنگی می‌شود، اما عکاسی ما در حوزه دفاع‌مقدس همراه با ارزش‌های انسانی و فرهنگ عاشورایی بود که رزمندگان تنها آمده بودند از کشورشان دفاع کنند. اصلا ادوات جنگی آن زمان دشمن با ادوات جنگی ما قابل مقایسه نیست. روز فتح خرمشهر آنجا بودم و اگر به همان عکس من که در حراجی تهران امسال فروخته شد نگاه کنید، می‌بینید که رزمندگان پوتین نداشتند و دشمن ما امکانات فراوانی داشت که اگر بخواهیم مقایسه کنیم، امکان نداشت پیروز شویم، اما پیروز شدیم، چون روحیه از خودگذشتگی و ایثار حاکم بود و همین روحیه باعث شد ما خرمشهر را پس بگیریم.

همه هنرهای ما بار احساسی خاصی دارد؛ یعنی نگاه ما به طبیعت خلاف فرهنگ‌های دیگر است. در ادبیات ما طبیعت را مادر همه چیز می‌دانند و از آرامش‌بخشی آن برای خلق اثر الهام می‌گیرند، اما در فرهنگ‌های دیگر طبیعت را منبع بهره‌مندی مادی می‌دانند. شاید در هیچ ادبیاتی مانند ادبیات ما روی کلمه مهربانی تأکید نشده باشد و این باعث تفاوت ما می‌شود. به‌عنوان یک عکاس احساس می‌کنم بزرگ‌ترین تصویرگر فردوسی بوده که به گونه‌ای با شعر جنگ‌ها را توصیف کرده که چکاچک شمشیرها و نبرد بین شخصیت‌ها را کاملا احساس می‌کنیم. ما عکاسان خود را نوادگان فردوسی می‌دانیم؛ یعنی تصویرگری ابتدا از او شروع شده و ما این راه را به شیوه‌ای دیگر ادامه می‌دهیم. در نتیجه همه هنرهای ایرانی به‌دلیل فرآیند مردمی بودن، احساس عاطفی خاصی دارند و حتی در اشعارمان به جزئیاتی از این قبیل «میازار موری که دانه‌کش است» توجه داریم؛ یعنی تا این حد به حقوق حیوانات توجه می‌کنیم. علت اشاره‌ام این است که احساس می‌کنم در مقطعی از زمان هستیم که باید غرور ملی مردم را بالا ببریم و باید بدانیم که چطور غیورمندانه به جنگ فائق شدیم و به مشکلات دیگر اعم از اقتصادی و اجتماعی نیز غلبه کنیم، چون این اقتصاد در شأن کشوری که خرمشهر را پس گرفته نیست. ما در مقطع فعلی نیازمند سردارانی هستیم که مثل زمان جنگ، اقتصاد ما را نجات دهند.

جنگ تحمیلی یک جنگ مردمی بود و صنوف مختلف از استاد دانشگاه، پزشک، پرستار، دانشجو، محصل، راننده و بقال در آن شرکت کردند. مردم در همان بحران، آموزش دیدند و به جبهه رفتند

آثار عکاسی ما چقدر توانسته هنر و معنویت درونی ما ایرانیان را به جهان عرضه کند؟

سنگرگرام

از دفاع مقدس تا حج خونین مکه

قصه شهدای تلخابی با آغاز جنگ تحمیلی و زمانی‌که احمد از پدر اذن گرفت تا به جبهه برود، شروع شد. احمد به جبهه رفت و در عملیات والفجر مقدماتی سال ۶۰ به شهادت رسید. پس از او ابوالقاسم به جبهه اعزام شد و در عملیات بدر به فیض شهادت نایل آمد. پس از آنها کربلایی علی تلخابی، پدر خانواده در سال ۶۴ عزم جبهه کرد. در عملیات والفجر ۸ وقتی متوجه شدند وی پدر دو شهید است، او را به خط مقدم نمی‌بردند اما به اجبار فرماندهان را متقاعد کرد و او هم در عملیات والفجر ۸ منطقه فاو بر اثر اصابت ترکش به سر به شهادت رسید. دو سال از پرواز پدر خانواده نگذشته بود که مادر خانواده نیز در سال ۶۶ جهت انجام فریضه حج به زیارت خانه خدا مشرف شد و در مراسم برائت از مشرکین به دیار حق پیوست.



پیشخوان

«نورچشمی» روایتی از حصر خرمشهر



آخرین اثر مهدیه جلالی با عنوان «نورچشمی» به همت انتشارات سوره مهر دربردارنده فضای جنگی آغشته به طنز از حصر خرمشهر است.

کتاب نورچشمی داستانی است که در خرمشهر می‌گذرد. شخصیت اصلی داستان، نوجوانی به نام ماجد است که پس از آغاز جنگ تحمیلی در خرمشهر تصمیم می‌گیرد با دوربین عکاسی برای حفظ هویت شهدا و زخمی‌ها به‌خصوص مادرها و فرزندان‌شان از چهره‌های‌شان عکاسی کند. فضای داستان، فضای جنگی آغشته به طنز است تا خشونت موجود در جنگ مثل استخوان تیزی گلوی مخاطب را خراش ندهد. بلکه زمانی که با روایت‌های ناگواری از جنگ روبه‌رو می‌شود، طعم شیرین زندگی که در بعضی از مواقع فقط مختص جنگ است را هم بچشد؛ چیزی شبیه به طنز تلخ. جلالی که نویسنده‌ای دهه هفتادی است پیش از این با داستان کوتاه «مه رقیق صبح» در مجموعه داستان بوی گرم شکوفه‌های بادام به انتخاب مجید قیصری و داستان کوتاه «صدام، سلام!» در مجموعه داستان منتخب چهل چراغ به کوشش انجمن قلم ایران به مخاطبانش معرفی شده بود.

رونمایی

برگزاری نشست ننه‌علی؛ شکوه شکیبایی



نشست «ننه‌علی؛ شکوه شکیبایی» به همراه معرفی کتاب «قصه ننه‌علی» و تجلیل از راوی این کتاب، امروز پنجم مهرماه ۱۴۰۲ برگزار می‌شود. قصه ننه‌علی به قلم مرتضی اسدی روایتگر زندگی زهرا همایونی، مادر شهیدان امیر و علی شاه‌آبادی است که بناست تا همزمان با هفته دفاع‌مقدس معرفی و بررسی شود. در این نشست که با حضور نویسنده اثر و مرتضی قاضی برپا خواهد شد، علاوه بر معرفی کتاب قصه ننه‌علی از زهرا همایونی، راوی کتاب نیز تجلیل صورت می‌گیرد. گفتنی است، نشست ننه‌علی؛ شکوه شکیبایی از سلسله نشست‌های هفته دفاع‌مقدس با همکاری انتشارات حماسه یاران در سرای کتاب خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار می‌شود و از تلویزیون اینترنتی کتاب پخش خواهد شد. علاقه‌مندان برای حضور در این نشست می‌توانند ساعت ۱۰ صبح امروز (پنجم مهرماه ۱۴۰۲) به سرای کتاب خانه کتاب و ادبیات ایران واقع در خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و شهید برادران مظفر جنوبی، پلاک ۱۰۸۰، طبقه منهای یک مراجعه کنند.